



مقایسه زبان معماری سنتی با مدرن

خدایار منصوری بیدکانی¹ کاظم آقای هفشجانی²

1: نویسنده مسؤل ، دانشجو کارشناسی معماری ، گروه معماری ، دانشکده هنر معماری ، دانشگاه جامع علمی کاربردی پیام شهرکرد

gmail: khodayar.mansoori360@gmail.com

2 : نویسنده مسؤل ، دانشجو کارشناسی معماری ، گروه معماری ، دانشکده هنر معماری ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

gmail:a,kazem2013@gmail.com

چکیده

زبان یک اصل عام را تشکیل می دهد و به معنای دقیق کلمه (پنهان) باقی می ماند به هر حال زبان خود را از طریق نسبت مکان معین و سبک گفتار دوره تاریخی معین نشان می دهد - نسبت و سبک به یکدیگر مربوط اند- بنابراین هر سبک زمانی که جا به جا می شود باید تغییر کند در صورتی که نسبت با توجه به دوره ی تاریخی باید (رنگ عوض کند) معماری فولکوریک این رابطه بین ثبات و تغییر را به خوبی نشان می دهد .

واژگان کلیدی: سنت، زبان، تکنولوژی و فناوری ، معماری

1- مقدمه

در تقابل بین سنت و مدرنیسم برگ برنده در دست کسانی است که گر چه در فضای مدرن امروزی قرار گرفته اند اما نگاهی نیز به گذشته دارند لیک چشمی نیز به سنت های گذشته دارند ، که در گذر زمان بر غم نشستن غبار فراموشی بر چهره سنت ها و سبک های گذشته ، چه شخصیت های بسیاری از شکوه تمدن های فراموش شده ، میان خشت خشت بناهای مربوط به این سبک ها مستتر است [2].

معماری نوعی زبان است و به معنای دقیق کلمه مکانبندی جهان را حفظ می کند - زبان معماران از نگارهای ازلی تشکیل می شود که آن ساختارهایی را که با توجه به مکان و زمان نامتغیرند نشان می دهد این انگارهای ازلی آرمانی وجود دارند. به بیان دقیق ترصوری نیستند که در برخی قلمروهای دور مانند شیء در ذات خویش آنها الگوهای اساسی وجود در جهان یا (ساختارهای وجودی) را نشان می دهند - در واقع این انگارهای ازلی اصلا وجود ندارند - بلکه تنها تجلی های گوناگون آنهاست که وجود دارد - بنابراین برج (نمونه) وجود ندارد بلکه (برج بودن) در جبهه های گوناگون آن همیشه با برج - انگارهای جدید نشان داده می شود - بدین ترتیب اثر معماری ((نوعی پیشکشی به معماری)) می شود . این گفتار لویی کان حاکی از آن است که صحبت کردن درباره معماری به طور کلی، ممکن و مهم است هر چند که تنها آثار یگانه ای از آن وجود داشته باشند . در این تنها می تواند یک زبان معماری وجود داشته باشد - زیرا تنها یک جهان و یک مکان بندی وجود دارد به رغم آن که وجود دارد سبک های بسیاری وجود دارند ، اما به طور قیاسی اساسا تنها یک زبان گفتار (زبان های) گفتار انتخاب های متفاوت همان زبان را نشان می دهد و یا بر طبق معیارهای دیگر واکنش های متفاوت به (زبان) بدین ترتیب سه نظام انگاره وجود دارد - زبان که از صورت های ازلی نا متعیر تشکیل می شود سبک گفتار که انتقایی گذرا در میان صورت های ازلی است و سنت که انطباق معلی صورت های ازلی است [3].

2- به سوی عظمت جدید

پیش از این به آرت نوو ، به مشابه تلاشی برای غلبه به نقاط ضعف معماری آکادمیک اشاره شد و خاطر نشان گردید که آرت نوو فرم های طبیعی و همچنین سنت های مجلسی را مشابه منبع الهام به کار گرفت به هر حال همچنین گفته شد که آرت نوو به طور کلی در بسط و گسترش نظام نماد معتبر موفقیتی بدست نیاورد . مهم است متذکر شد که از این رو کلاسی سیستم جدید جانشین آرت نوو در حال شکست - که بعضا به دست خود استادان آرت نوو نظیر اولبریک به رنزو ارایه می شد - اما شارحان افراطی نه معماری جدید نتوانستند اشاعه مجدد سبک های را بپذیرند و نوعی برگشت به خاستگاه ها را سو گیری کردند - در نتیجه پلان آزاد و فرم باز به عنوان جانشین فرم های از ارزش افتاده تاریخ گرایی آکادمیک بسط و گسترش دیگری از سنت های سازماندهی فضایی و بیان صوری را نشان می دهد بدین ترتیب آنها پاسخگوی زبان معماریند .

تا پایان قرن هجدهم زبان معماری زبانی شناخته شده بود و از طریق بیان هنری ابراز می شد - گونه معماری ایده آلی ثابت تصور نمی شد بلکه چیزی زنده و پیچیده تصور می گردید که در محدوده های معین ، نوعی امکان

نامحدود تنوع را عرضه می‌کرد زمانی که رویکرد علمی - تحلیلی عصر روشنگری از سوی معماران و نظریه پردازان برگزیده شد تغییر مهمی به وقوع پیوست تجزیه نگری یکی از ارکان آموزشی طراحی معماری بر اساس زبان مدرن معماری است.

در این باره تنها می‌تواند یک زبان معماری وجود داشته باشد، زیرا تنها یک جهان و یک مکان بندی وجود دارد. (به رغم آن که ((زبان ها)) (tongue) بسیاری وجود دارند، اما به طور قیاسی اساساً تنها یک زبان گفتار (language) وجود دارد). سبک های گفتار، انتخاب های متفاوت در یک و همان زبان را نشان می‌دهند، یا بر طبق معیارهای هایدگر، واکنش های متفاوت به ((زبان)) بدین ترتیب سه نظام انگاره وجود دارد: زبان، که از صورت های ازلی نامتغیر تشکیل می‌شود.

زبان یک اصل عام را تشکیل می‌دهد، و به معنای دقیق کلمه ((پنهان)) باقی می‌ماند. به هر حال، زبان خود را از طریق سنت مکان معین و سبک گفتار دوره ی تاریخی معین نشان می‌دهد. سنت و سبک به یکدیگر مربوط اند؛ بنابراین، هر سبکی زمانی که جابه جا می‌شود، باید تغییر کند، در صورتی که سنت با توجه به دوره ی تاریخی باید ((رنگ عوض کند)). معماری فولکلوریک این رابطه بین ثبات و تغییر را به خوبی نشان می‌دهد. بحث منطقه گرایی نشان می‌دهد که زبان محلی و رای موقعتی بلافصل خود، زبانی قانونی است، و در واقع وجوه زبان معماری را، درست مانند گویش های گفتار، که ((منبع مخفی هر زبان گسترش یافته اند))، نشان می‌دهد. بنابراین سنت منطقه ای می‌گوید که زبان معماری برای پدید آوردن اثر واقعی معماری، باید کار را برای هم اکنون در نظر بگیرد [1].

3- ریشه های عظمت جدید

تاریخ معماری، زبان معماری را آشکار می‌سازد هر اثر معتبر معماری، زبان ((گفت و گو)) را می‌سازد، اما برخی کارها به کشف پر معنایی از دیگر کارها دست می‌یابند. اگر با برداشت زمانبند به آغاز معماری برگردیم، این نکته آشکار می‌گردد معماری در دوران باستان، اساساً معماری محلی بود. معماری به مثابه واکنشی به محیط معین پدید می‌آمد، و خصوصیات عام یا مکان ضدی وجودی، عمدتاً مخفی باقی می‌ماند به هر حال، در برخی مکان ها، موقعیت معین مکاشفه های با ارزش عام را ممکن می‌ساخت برای درک معنای این امر، ضرورت دارد که به دوران باستان برگردیم و نظری به بسط و گسترش نخستین نظام های نماد معماری بیفکنیم.

از نظر چارلز جنکز معماری باید معلول باشد. معلول دیدگاه انسان از خود و از جهان پیرامون خود معماری باید معلول شرایط امروز باشد به عقیده جنکز اگر در جهان نسبت فرم تابع نسبت و در جهان مدرن، فرم تابع عملکرد بوده است. در جهان کنونی فرم تابع دیدگاه جهانی باید باشد.

نظم های یونانی با زبان معماری تطابق دارند؛ این نظم انسان را قادر می‌سازد که بارها و بارها، و از دیدگاه های همیشه جدید، جهان را «بازگو کند». این نظم ها از مهم ترین خصوصیات نظام نماد معماری نیز برخوردار اند؛ امکان جا به جایی و انتقال معانی از مکانی به مکان دیگر. یونانی ها، حقیقت را در مکان های خاص کشف کردند،

و بر حسب این نظم‌ها، آنچه را درک کرده بودند، در پولیس شان گردهم آوردند، و بدین ترتیب امکان فرهنگ شهری واقعی را به وجود آوردند. می‌توان درک کرد که گونه‌های فضایی تا زمانی که ((روی زمین)) به عقب رانده شده‌اند، حضوری بر حسب این نظم‌ها به دست آورند، خاموش باقی می‌مانند [1].

4- مکان

خانه تنه‌ابه معنای سرپناه نیست، بلکه به معنای تعلق داشتن و معنا دادن است. تجربه کردن هستی به مثابه هستی معنادار را می‌توان در واقع نیاز اساسی انسانی تلقی کرد، و هستی معنادار، مستلزم مکانی معنادار است که همگان در آن سهیم باشند [1].

معماری مدرن از همان آغاز دلواپسی معنا بود. پیشگامان اولیه نظیر فرانک لویید رایت، هنری ون د ولد، آلف لوس، هندریک پتروس برلاگه، ((نیرنگ‌های)) تاریخ‌گرایی را محکوم کردند، و خواستار معماری جدید و معتبر شدند. بنابراین نقطه عطف جنبش مدرن اساساً نه در مسائل کارکرد و فن‌آوری، بلکه در طلب ((صداقت)) بود. در نتیجه، جنبش مدرن به مسائل ((صداقت)) و ((اخلاقیات)) بیشتر توجه کرد. و به طور کلی بازیابی و بهبود فرم‌های معتبر و اصیل را که می‌توانست جایگزین ((نمادهای از سکه افتاده)) تاریخ‌گرایی شود. هدف گرفت. بدین ترتیب جنبش مدرن اصول کلی ((کارگرایی)) و ((ساختارگرایی)) را با این گمان که بیان کارکرد و ساختار می‌تواند فرم‌های با معنای جدید به وجود آورد، بسط و گسترش داد [1].

اما به هر حال، این حساسیت جدید، تا حدودی مفهومی مبهم است، و ضرورت دارد نظریه معنای دقیق‌تری را جایگزین آن کرد و در گذشته، معنا صرفاً زبان و سبک و سنت بود، و از این رو این امکان را داشت که همگان در آن سهیم باشند و بر عکس، جنبش مدرن گمان می‌برد که معنا به طور طبیعی از وضعیتی یگانه پدید می‌آید، و ((سنت جدید)) را به عنوان ((شیوه)) در نظر می‌گرفت تا تعبیر و تفسیر زبان معماری. امروز آدم پی می‌برد که معنا، درک کلی تری از جهان و همچنین زبان فرم‌ها را برای بیان خود می‌طلبد [1].

بنا بر این معماری پسا مدرن، توجه خود را بر مسئله معنا معطوف می‌دارد. تا کنون، به نظر می‌رسد نوعی توافق کلی وجود داشته باشد که معنا باید با انگاره‌ها بسازد تا فرم‌های کارکردی یا ساختاری. فرم از آن رو با معناست که چیزی را ((باز نمود می‌کند)) از آن رو که چیزی به آدم می‌گوید، و به جهت یابی آدم در جهانی که در آن زندگی می‌کند و هم ذات‌پنداری با آن، کمک می‌کند. اما به هر حال، ماهیت انگاره به دشواری درک می‌شود. بسیاری از پسا مدرنیست‌ها انگاره را به مثابه ((نشانه)) تلقی می‌کنند، یعنی عنصری به طور دلخواهی انتخاب شده که به چیزی دیگری ((دلالت دارد)) بر طبق نظریه نشانه‌شناختی، زبان معماری به ((سیستمی از قوانین توافق شده برای برقراری ارتباط)) بدل می‌شود. ظاهراً، فرم‌های معماری می‌توانند به مثابه نشانه کار کنند، اما معنای آنها را نمی‌توان به مضمون صرف ((توافق)) و هدفشان را به برقراری ارتباط بین فردی تقبل داد [1].

سبک

ساخته های برنینی و بورمینی امکان کاربرد و پیشبرد سبک کلاسیک را، در یک زبان فرمال همخوان با نیازهای ویژه، مطرح می ساختند؛ این تاحدی از آنرو بود که هر دو به کیفیتهای مکانی و محلی اشاره داشته اند. چنانکه پیشتر نیز اشاره کرده ام، باروک پسین اروپایی کیفیتهای مکانی و محلی را در عالیترین صورت آنها به کار گرفت.

باروک در کشورهای متعددی همخوان با سنتهای بومی و منطقه ای آن کشورها چونان شیوه و سبکی اصیل و ارزشمند در هنر مکان به اجرا در آمد، که در عین حال قادر بود به هم نهادی جدیدی از فضای آفتابی جنوب و در همیافتگی تیره و تاریک (شمالی) برسد. در این باره به کلیسای اشتاین هاوزن اثر دومینکوس تسمیرمان (1728-1733) اشاره می کنم که در آن یگانگی زمین و آسمان، مکان، زندگی و ایمان دینی در قالب بنایی متجلی گشته که گونه شناسی اصیل را به فضای مرتبط با آن دوران تاریخی و نظم کلاسیک را با شیوه ی معمولی ساخت و ساز عصر خود یگانه و متحد ساخته است [6].

برهمکنش

آرت نوو (Art nouveau) یا سبک ((گل آذینی)) (floral style) پیش از رایت ایده های مشابهی را طرح و پیش نهاده بود. شباهت این سبک با نیت رایت در معماری به ویژه خود را در پلان آزاد نشان می دهد؛ به همین دلیل بود که گیدویون دیوار خارجی هورتا برای مزون دو پوپل در بروکسل (1895) و سالهای پس از آن را به دیوارهای مواج باروک و ((جداساز / پارتیشن)) های فرانک لوید رایت مرتبط می دانست. در کار هورتا هم قصدی برای ساخت یک کلیت دینامیک دیده می شود که بیننده را به شکل فعالی در گیر می سازد. اینکه قصد معمار از چنین اجرایی، که نزدیکی و کلیت دارد، آشکار حضور است، بیشتر از فرم ساخته شده معلوم می شود که رشدی سامانیافته را طرح می کند و این الزاماً نه به معنای رویارویی با فضای ایده آل / آرمانی بلکه بازتابی است از یک فضای عینی که رویدادهای هستی در آن به وقوع می پیوندند. این نکته به ویژه هنگامی در یافته می شود که کارهای خطی هورتا و گیمار را با تناوری پلاستیک و انعطاف پذیر کاتالنیایی معماری چون گائودی مقایسه کنیم. برای گائودی نزدیکی و آشنایی به معنی حضور مدیترانه با رویدادهای چشمگیرش بود، و نه نظمی انسان ریختی. گائودی، به واقع، تنها کسی بود که بدون گریز زدن به کلاسیسیسم توانست به بیان زبان انسان ریخت نزدیک شود. جالب است بدانید که یکی از زایاترین سرچشمه های الهام گائودی پویایی و جنبش دایمی کوه مونتسرات، کوه مقدس کاتالونیا، بود

بازبرد محلی / منطقه ای را در کارهای مکینتاش نیز می توان مشاهده کرد. او بدون اینکه در گیر و سوسه ی سر هم بندی یا هنر پاستیش شود توانست کیفیت ویژه ی نور اسکاتلندی را در کارهای خود تأویل کند، و با استفاده از برج، نمای جلو آمده، سردودکش، و کاربرد اندود نگرگی (اندود نمای خارجی با استفاده از آهک و شن) ارتباط خود را با سنت عامه پسند و سبک شناختی سر زمین مادری اش حفظ کند.



در ایتالیا که سنت کلاسیک همواره غالب بوده و غالب مانده، این سبک - مانند گوتیک - هرگز به آسانی و به شکل خود انگیخته مصرف نداشته است، و اغلب آن را با نامی که از زبانهای دیگر به وام گرفته اند توصیف می کنند. تنها در شمال بود که معماری سنگی توانست خود را برای بیانگرهای یکسره تازه و نو سازگار کند؛ نمونه های این سازگاری را می توان در کارهای سوماروگاو آندره آنی مشاهده کرد. می باید توجه داشت که خانه ها و سکونتگاههای فراوانی در شمار آفریده های این سبک قرار دارند. عمر کوتاه آن نووو بی شک معلول این حقیقت بود که کمال و آراستگی پالوده و پر زرق و برق اش کاربرد آن را بیشتر از سوی طبقات مرفه امکانپذیر می ساخت و افسوس که بسیار زود هنگام، یعنی پیش از تبیین اصول و آغازهای معماری نوین، پدید آمد. زود هم پژمرد. لویی سالیوان در همین باره پیشگویانه چنین گفته است: ((به زبان زیبایی شناختی که سخن بگوییم، شاید سود در این باشد که یک ساختمان را بنا کنیم. تنها پس از رسیدن به چنین هدفی است که می توانیم تحلیل کنیم که آرایه سازی و دکوراسیون تا چه اندازه به حیات در ساختمانها یاری رسانده اند [6].

5- پارادایم سوم: نظریه زبان شناسی

احیای اندیشه در قالب پارادایم های زبان شناختی موجب شده است تا موضوعات نقد فرهنگی پسامدرن تغییر و تحول یابند. نشانه شناختی، ساختارگرایی، و به خصوص پساساختارگرایی (مشمول بر شالوده شکنی) در شکل گیری مجدد بسیاری از رشته هامن جمله ادبیات، فلسفه، انسان شناسی، جامعه شناسی، و به ویژه کنش انتقادی مؤثر بوده است. عرضه چشمگیر نظریه اروپای قاره ای برای مخاطبین امریکایی در سال 1966 در دانشگاه جانز هاپکینز (Johns Hopkins University) صورت پذیرفت. در میان کسانی که در ((گردهمایی بین المللی زبان های انتقادی و علوم انسانی)) مقالاتی ارائه کردند، افرادی چون ژاک دریدا، رولان بارت و ژاک لاکان حضور داشتند.

معنا چگونه در زبان انتقال می یابد و چگونه از طریق ((هماندی زبان شناختی)) که با معماری دارد، دانش زبان شناختی را به کار می بندد. در این میان دیانا اگوست و همکارش ماریو گاندلسوناس (Mario Gandelsonas) در ((نشانه شناختی و معماری)) و جفری برودبنت (Geoffrey Broadbent)، از نقطه نظر زبان شناختی و در چالش با عملکردگرایی مدرن به مثابه تعیین کننده فرم، این بحث مطرح شده که ابژه های (موضوعات) معمارانه فاقد هر گونه معنای ذاتی و روانی اند، اما می توانند آن را از طریق قراردادی فرهنگی بسط و گسترش دهند [5].

نشانه شناختی

نظریه زبان شناسی پارادایمی مهم در تجزیه و تحلیل دغدغه عمومی پسامدرن است: خلق و دریافت معنا. نشانه شناختی به خصوص ساختارگرایی به این موضوع می پردازد که زبان چگونه ارتباط برقرار می کند، و چگونه می توان آن را به صورت یک نظام بسته ادراک کرد، زبان ها در کاربرد رایج شان و بررسی اجزای زبان و روابط میان

آن اجزا بود، نکته ای که به اندازه دو جزء یاد شده نشانه اهمیت دارد، این ایده است که: ((زبان نظامی است از واژه های وابسته به هم که در آن ارزش هر واژه نتیجه صرف حضور هم زمان گزاره های دیگر است.

جهان به وسیله زبان که ساختاری از روابط معنادار میان نشانه های دلخواهی است، ساخته مس شود. از این رو ساختارگرایان بیان می کنند که در نظام های زبان شناختی، تنها تفاوت ها هستند که وجود دارند و نه گزاره های اثباتی. همچنین پژوهشی چند موضوعی است در باب ارتباط یک متن با ساختارها و فرآیندهای خاص اعم از زبان شناختی، روان شناختی، متافیزیکی، منطقی، اجتماعی یا بلاغتی (rhetorical). زبان ها و ساختارها، به جای این که ابداع گر، پایه گذار و یا خود آگاه باشند، به منبع اصلی توضیح و توصیف تبدیل می شوند [5].

شالوده شکنی

اگر تأویل نشانه ها غیر قابل اعتماد است و هم زمان می توان آن ها را به شیوه های مختلف تجزیه و ترکیب کرد، در آن صورت معماری چگونه قادر خواهد تا بیانگر یک حس مشترک جمعی باشد؟ و اگر زبان غیر قابل اعتماد است، آیا می تواند در مورد معنای معمارانه ((زبان)) توافقی وجود داشته باشد؟ به علاوه، فقدان روایت های تاریخی کلان که پساساختارگرایان آن را مطرح ساخته اند، به دست نیافتنی بودن وفاقی که بتواند به صورتی معنادار در معماری تجسم یابد، اشاره می کند. [5]

مدرن :

قالب - الگوی (modern) واژه ی مدرن امروزه در زبان معانی مختلفی از جمله در زبان فارسی رایج شده است، ریشه در لغت لاتین از آن بدست آمد که در حالی (modernus) انگلیسی به معنی (اندازه - مقیاس - پیمان - زمان حال) بود و از طریق زبان فرانسوی، منشاء به معنای ((این اواخر، به تازگی، modo)) مشتق شده است در زبان لاتین (modo) خود از قیر (modernus) سویی واژه را در اواخر قرن پنجم میلادی، (moderni) گذشته ای بسیار نزدیک)) است به گمان بعضی از تاریخ نگاران، رو میان لفظ در مورد ارزش ها و باورهای جدید، به کار می برند، ارزش هایی که با باورهای پذیرفته شده ی قدیمی مشخص می شوند - در تقابل بودند واژه ((مدرن)) پیشینه ای دراز دارد این واژه در شکل لاتین، نخستین بار در قرن پنجم میلادی برای متمایز کردن دوران مسیحیت از دوران جاهلیت و کفر استفاده می شد [2].

وجود لفظ ((بافت قدیم)) در نام پروژه حاضر ((طراحی شهردر بافت قدیم شهر یزد)) ممکن است این تصور را بوجود آورد که هدف این طرح (که در اصل طراحی شهری، در بافت قدیم است و البته در آن ارزشهای واقعی بافت قدیم یزد ملحوظ خواهد بود، حفظ بافت قدیم به مفهوم مطلق آن می باشد حال آنکه چنین نیست. لفظ ((بافت قدیم)) در زمان مردم و مؤلین سابقه ی طولانی دارد مردم گرفتاریهای محیط زندگی خود مانند نامعلومی ضوابط نو سازی و بهسازی فقدان تسهیلات و تجهیزات شهری، عدم دسترسی و غیره را عمدتاً معلول زندگی دریافت قدیم می دانند [4].



مفاهیم در معماری نیز به تعریف و تفسیر مجدد دارد رویکرد وی به هیچ وجه به سنت گرایانه نبود و مانند ها بر اساس مدرنیسم را پروژه ای ناتمام می دانست که به رغم وی با رویکرد پدیدار شناسانه می توان در جهت پیشبرد آن گام برداشت او پدیدار شناسی را بخشی از جنبش مدرن می دانست و معتقد بود پیشگامان جنبش نوگرایی نیز به کمبودهای ناشی از تفکرات خود رسیده بودند و تا حدی تلاش کردند تا میان اندیشه (خرد) و احساس آشتی لازم را ایجاد نمایند اما به علت عدم درک صحیح از زندگی روزمره و انتزاع بیش از حد از ادامه راه بازمانده اند از شولتز حدود سی عنوان کتاب و صدها مقاله به جامانده است که تعدادی از آنها به فارسی ترجمه شده است - کتاب ریشه های معماری مدرن که در سال 1987 نگاشته شده یکی از آخرین کتابهای شولتز می باشد که در کنار کتاب نیت ها در معماری، معنا در معماری، روح، مکان، حضور زبان و مکان روشنگر (شکلی جدید از درک جهان می باشد که توسط استاد محترم مهندس جودت به فارسی برگردانده شده بازیابی پیش بینی پذیر زبان معماری - این امر را ممکن می سازد که بتوان ابداع های همیشه جدید را که امروزه بارز هستند - با اثر خلاقانه در سنتی زنده - جایگزین کرد - از آنجا که زبان خانه وجود است و در نتیجه هر چیزی را در بر می گیرد در واقع می توان آنرا مستقیما برای نشان دادن جنبه های پیش از این پنهان واقعیت، یا اگر ترجیح داده شود، برای بدست دادن تعبیرهای جدید از واقعیت به کار گرفت این روند به نیازهای کارکردی وابسته نیست بلکه می تواند در خود معماری اتفاق بیفتد بدین لحاظ در گذشته معماری تا حد زیادی تابع توسعه سبکی بود با این تعبیر معماری از استقلال خاصی برخوردار می شود اما به وضوح همیشه بخشی از این جهان باقی می ماند به حر حال، سنت جدید از آنجا که نه ماهیت گذار دارد و نه ماهیتی محلی به سبک ها یا سنت های گشته آن چنان همخوانی ندارد - سنت جدید تقریبا نشان می دهد که چگونه معماری مدرن در مسیر راهیابی به زبان است [3].

6- نتیجه گیری :

جنبش مدرن به مسائل (صداقت) و (اخلاقیات) بیشتر توجه کرده و به طور کلی بازبانی و بهبود فرم های معتبر و اصیل را که می توانست (جایگزین نمادهای از سکه افتاده) تاریخ گرایی شود ، هدف گرفت . بدین ترتیب جنبش مدرن اصول کلی (کارکردگرایی) و در (ساختار گرایی) را با این گمانی که بیان کارکرد و ساختار می تواند فرم های با معنای جدید به وجود آورد . بسط و گسترش داد به این وعده و نوید تا حدی عمل شود . به هر حال در بررسی دقیق تر آشکار می شود که موفقیت های مدرن به دلیل و تحلیل کارکردی و نوآوری ساختار نبودند - آنچه در مدرنیسم دارای اعتبار است تا حدودی از دید هنری جدیدی که کیفیت های اساسی جهان جدید را درک می کند سرچشمه می گیرد - گیدین به این نکته پی برد و اظهار داشت که حساسیت جدید ، تا حدودی زبان و سبک و سنت بود ، و از این دو این مکان را داشت که همگان در آن سهیم باشند . بر عکس جنبش مدرن گمان می برد که به معنا به طور طبیعی از وضعیتی یگانه پدید می آید ، و سنت جدید را به عنوان (شیوه) در نظر گرفت تا تعبیر و تفسیر زبان معماری امروزی آدم پی برد که معنا ، درک کلی تری از جهان و همچنین زبان فرم ها را برای بیان خود می طلبد .

منابع و مراجع

- [1] ریشه هلی معماری مدرن - نویسنده کریستیان نوربرگ شولتس - سال 1388
- [2] پست مدرنیته معماری - نویسنده امیربانی مسعود - سال 1388
- [3] معماری ایرانی - نویسنده محمدرضا نیلفرستان - سال 1386
- [4] طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد - نویسنده محمود توسلی - سال 1368
- [5] نظریه های پسامدرن در معماری - نویسنده کیت نسبیت - سال 1386
- [6] معماری: حضور، زبان و مکان - نویسنده کریستیان نوربرگ شولتس - سال 1391